

Evaluation of the Bengali translation of Ferdowsi's Shahnameh by Monir al-Din Yusuf*

Dr. Mohammad Ahsan Al-Hadi¹

Associate professor of Persian language and literature at Dhaka University

Tanjineh Bent Noor

Pre-doctoral researcher of Persian language and literature at Dhaka University

Abstract

Few world literatures can be proud of a masterpiece like Ferdowsi's Shahnameh. This masterpiece in epic poetry has been translated into more than thirty-five languages in the world so far. Monir al-Din Yusuf, the most prominent author and translator of modern Bengali literature, translated the entire Shahnameh into Bengali in six volumes. He translated the epic completely but was very careful to retain the poetical weight of the original work. This means it is not an ordinary prose translation. He maintained the rhythm of 'free verse' in every line of this great epic. Yusuf translated the descriptions of the characters as accurately as the original. Renowned personalities like *Rostam* and *Sohrab* were described the same as the Persian epic. So, it seems as if one was reading an epic by a Bengali poet. Although Ferdowsi's Shahnameh has been translated into many languages of the world, but its Bengali translation by Munir al-Din Yusuf can be considered as one of the best versions. The purpose of this research is to introduce this version and the translator's literary skills according to Persian-speaking scholars.

Keywords: Monir al-Din Yusuf, Epic, Shahnameh, Ferdowsi, Bengali literature.

* Date of receiving: 2022/3/9

Date of final accepting: 2022/9/7

1 - email of responsible writer: tanjinabnur88@gmail.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی

سال بیست و سوم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۵۵، صفحات ۲۷-۹

DOI: [10.29252/KAVOSH.2022.18181.3216](https://doi.org/10.29252/KAVOSH.2022.18181.3216)

DOR: [20.1001.1.2645453.1401.23.55.1.2](https://doi.org/20.1001.1.2645453.1401.23.55.1.2)

ارزیابی ترجمه بنگالی شاهنامه فردوسی از منیرالدین یوسف* (مقاله پژوهشی)

دکتر محمد احسن الهادی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا

تجینه بنت نور^۱

محقق پیش دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا

چکیده

شاهنامه فردوسی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان است که در سرزمین ایران، حدود هزار سال پیش به زبان فارسی سروده شده و همچنان یکی از بزرگ‌ترین متن‌های حماسی دنیا به شمار می‌رود.

تعداد کمی از آثار ادبی جهان به اندازه شاهکاری چون شاهنامه فردوسی، مورد توجه مردم جهان قرار گرفته‌اند. این شاهکار عظیم تا کنون به بیش از سی و پنج زبان جهان ترجمه شده است. منیرالدین یوسف (۱۹۱۹-۱۹۸۷ م.)، مصنف ادبیات جدید بنگالی و مترجم مشهور بنگلادش، متن کامل شاهنامه را در شش جلد، به زبان بنگالی ترجمه کرده است. نکته قابل توجه این که یوسف، بسیار مراقب بوده تا وزن شعری شاهنامه اصلی را در ترجمه خود حفظ کند؛ یعنی این یک نثر معمولی نیست، بلکه وزن شعر آزاد در ترجمه هر سطر از این حماسه عظیم وجود دارد. یوسف حتی توضیحات مربوط به اسامی شخصیت‌ها را به درستی ترجمه کرده است. شخصیت‌های معروفی مانند رستم و سهراب نیز در ترجمه او به خوبی مورد توجه قرار گرفته‌اند. با خواندن این متن ترجمه شده شاهنامه، به نظر می‌رسد که ما شعر یک شاعر حماسی بنگالی را می‌خوانیم. گرچه شاهنامه فردوسی به زبان‌های گوناگون جهان ترجمه شده، اما کار منیرالدین یوسف نمونه بارز یکی از بهترین ترجمه‌های شاهنامه فردوسی در جهان شمرده می‌شود. هدف از این نوشتار، معرفی منیرالدین یوسف، ادیب و مترجم بنگالی، و بررسی عملکرد او در ترجمه شاهنامه فردوسی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات بنگالی، منیرالدین یوسف، حماسه، شاهنامه، فردوسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: tanjinabnur88@gmail.com

۱- مقدمه

شاهنامه فردوسی (۹۴۰-۱۰۲۰م.) نه تنها بزرگ‌ترین و پرمایه‌ترین حماسه ملت ایران است، بلکه مهم‌ترین سند عظمت زبان فارسی و رونق فرهنگ و تمدن ایران باستان و گنجینه ادبیات فارسی به شمار می‌رود. اگرچه شاهنامه حکیم فردوسی، نماد باورهای ایرانی است، اما با مطالعه آن، می‌توان با اساطیر، جغرافیا، تاریخ، فلسفه، ادبیات، زبان و هنر سرزمین کهن ایران نیز آشنا شد. در عصر حاضر، تأثیر این شاهنامه به سرزمین ایران محدود نمی‌شود بلکه رونق این حماسه ملی ایران در سراسر جهان انتشار یافته است.

شاهنامه فردوسی در حقیقت، تصویر باشکوه ایران و ایرانیان است که در سراسر جهان، مورد توجه قرار گرفته است. خوشبختانه، مجموع این اثر در سرزمین بنگلادش به زبان بنگلا ترجمه و منتشر شده است. اولین کسی که همه شاهنامه را به زبان بنگالی ترجمه کرد و به خوانندگان بنگالی تحویل داد، نابغه بی‌نظیر ادبیات بنگالی، منیرالدین یوسف (۱۹۱۹-۱۹۸۷ م.) بود (Rahman, 2015). هدف این مقاله، معرفی این پژوهشگر فارسی‌دان بنگلادش و ارائه مهارت‌های واژه‌یابی وی با ارائه ارزیابی ادبی ترجمه شاهنامه او به محققان و خوانندگان فارسی‌زبان است.

شاهنامه فردوسی

فردوسی (۹۴۰-۱۰۲۰ م.) در سال ۳۷۰ هجری (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷) یا ۳۷۱ (صفا، ۱۳۴۹: ۴۶۰) به نظم در آوردن شاهنامه را آغاز کرد. در شروع این کار یکی از امرای طبرستان به نام حسن قبیته او را بسیار حمایت و تشویق کرد (نظامی‌عروسی، ۱۳۲۷: ۴۸). اما حدود ۱۰ سال بعد، فردوسی فقیر شده و فرزندش را نیز از دست داده بود.

چنانکه می‌گوید:

آیا ای برآورده چرخ بلند چه داری به پیری مرا مستمند
(فردوسی، ۱۳۴۷: ۱۲۸۸)

به جای عنانم عصا داد سال پراکنده شد مال و برگشت حال
(همان: ۳۶۵)

از همان وقت او در فکر آشنایی با پادشاهی بزرگ بود که شاهنامهٔ خود را به نام ایشان تقدیم کند. سرانجام، تصمیم گرفت که کتاب خود را به سلطان محمود غزنوی (۹۷۱-۱۰۳۰ م.) تقدیم کند. سلطان محمود به فردوسی وعده داد که برای هر بیت شاهنامه فردوسی را یک دینار طلایی بدهد. فردوسی، شاهنامه را در مدت ۲۵ تا ۳۵ سال، و حدود سال ۴۰۱ یا ۴۰۲ هجری هجری خورشیدی به پایان بُرد که بین پنجاه هزار تا شصت هزار بیت داشت. سپس آن را در شش یا هفت جلد برای سلطان محمود فرستاد (سمرقندی، ۱۳۲۷: ۴۸). خود گوید:

ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان داور کردگار
(همان: ۲۱۶۱)

به گفتهٔ خود فردوسی، سلطان محمود به شاهنامه نگاه هم نکرد و جایزه را که فردوسی منتظر آن بود، برایش نفرستاد؛ بلکه به جای دینار طلا، بیست هزار درهم نقره به فردوسی داد. بر اساس روایتی مشهور، سال‌ها پس از این ماجرا، سلطان محمود به هند حمله کرد و در آنجا قلعه‌ای را محاصره کرد، به وزیرش گفت که نمی‌دانم چه پاسخی از درون قلعه خواهد آمد. و وزیر این بیت از شاهنامه را برای او خواند:

اگر جز بکام من آید جواب من و گرز و میدان افراسیاب
(همان: ۷۹۵)

سلطان پرسید این بیت از کیست که در آن، روح مردانگی وجود دارد؟ وزیر گفت که این متعلق به فردوسی است. محمود ناراحت شد و گفت که «من او را از خودم آزردم» ولی بعد از بازگشتن به غزنه، به او جایزه خواهم داد. هنگامی که سلطان محمود

به غزنه بازگشت دستور داد که معادل ۶۰ هزار دینار طلائی به فردوسی بفرستند و از او عذرخواهی و دلجویی بکنند؛ اما هنگامی که کاروان هدیه سلطان، از یکی از دروازه‌های شهر موسوم به «رودبار» داخل گردید، پیکر فردوسی را از دروازه «رزان» شهر، به بیرون می‌بردند. دختر فردوسی از گرفتن هدیه محمود خودداری کرد (صفا، ۱۳۴۹: ۴۶۰).

جامی در پنج سده بعد به این موضوع چنین اشاره کرده است:

خوش است قدرشناسی که چون خمیده سپهر سهام حادثه را کرد عاقبت قوسی
برفت شوکت محمود و در زمانه نماند جز این فسانه که نشناخت قدر فردوسی
(جامی، ۱۳۷۱: ۹۵)

شاهنامه فردوسی از حدود شصت هزار بیت تشکیل شده و دارای سه دوره «اساطیری»، «پهلوانی» و «تاریخی» است و تصویرسازی در شعر فردوسی جایگاهی ویژه دارد. او ماجراهای داستان‌ها را پیش چشم خوانندگان با متن خود همینطور ارایه کرده، به گونه‌ای که گویی خوانندگان داستان بر پرده سینما به تماشا نشسته‌اند. فردوسی در سرودن شاهنامه، بیشتر، از واژه‌های فارسی بهره برده و شمار واژگان عربی در شاهنامه ۸۶۵ واژه است (خالقی مطلق، ۱۹۹۳: ۳۴).

جایگاه جهانی

فردوسی، شاعر و سخنور بزرگ ایران است که اروپاییان او را بعنوان هومر^۱ (Homer) ایران، پدر شعر فارسی، زنده‌کننده فرهنگ و زبان ایران زمین، هنرمندی بلند پایه، سراینده سرود آزادی و یکی از بزرگ‌ترین شاعران جهان نامیده‌اند. فردوسی در تمام جهان مورد احترام بوده و شاهنامه او به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.

استالین (Joseph Stalin) (۱۸۷۸-۱۹۵۳) از رهبران اتحاد جماهیر شوروی، اولین بار در سیزده سالگی با شاهنامه آشنا شد. او در سخنرانی فرهنگی خود که در جشنواره جمهوری تاجیکستان برگزار شده بود، به تجلیل از فردوسی و شاهنامه او پرداخت.

شرق‌شناسان جهان، شاهنامه را در سنجش ایلیاد (Iliad) شرق گرفته‌اند؛ مثلاً شاعر مشهور آلمانی فریدریخ روکرت (Friedrich Ruckert) (۱۸۶۶-۱۷۸۸ م.) معتقد است: «شاهنامه نسبت به ایلیادِ هومر کم‌تر جسم دارد و بیشتر روح دارد» (Atkinson, 1990: preface). منظورش این است که صحنه‌های جنگ و نبرد در شاهنامه کم‌تر از ایلیاد است؛ ولی معنویت در شاهنامه و جان و روان آن بیشتر است. اگرچه صحنه‌های نبرد در شاهنامه کوتاه است ولی بسیار خوب مصور شده و زیباست. در عین حال، روکرت می‌گوید: «این کتاب، کتاب جنگ و نبرد نیست؛ بلکه کتاب معنویات است».

ترجمهٔ شاهنامه به زبان‌های دیگر

تا کنون، ترجمه‌های بسیاری از شاهنامهٔ فردوسی در سراسر جهان به انتشار رسیده و حتی در بسیاری از نقاط دنیا، ادبیات کشورهای مختلف را تحت تأثیر قرار داده است. قدیم‌ترین ترجمهٔ شاهنامه میان سال‌های ۵۴۲-۶۲۰، به امر الملك المعظم عیسی بن الملك العادل ابوبکر بن ایوب (وفات ۶۲۴ م.) به دست فقیه اجل قوام‌الدین فتح بن علی بن محمد البنداری الاصفهانی (۱۱۹۰-۱۲۴۵ م.) در دمشق، از روی نخستین نسخهٔ شاهنامه، انجام گرفته است. ترجمهٔ منظومی هم به ترکی به سال ۹۱۶ ق. / ۱۵۱۰ م. بدست علی افندی انجام شده است (فردوسی، ۱۳۴۷: ۱۴).

علاقهٔ شدید گوته (Goethe) (۱۷۴۹-۱۸۳۲ م.) شاعر بزرگ آلمانی به اشعار فردوسی را نیز می‌توان در یادداشت‌ها و مقالاتی دربارهٔ دیوان شرقی-غربی او مشاهده کرد. ترجمهٔ شاهنامه در آلمان از سال ۱۸۰۰ م. به وسیله اشخاصی توسط یوزف گورس (۱۸۲۰ م.)، آدولف فریدریش (Adolf Friedrich Johann Butenandt) (۱۹۰۳-۱۹۹۵ م.)، فون شاک (Graf Adolf Friedrich von Schack) (۱۸۱۵-۱۸۹۴ م.) و فریدریش روکرت (Friedrich Rückert) (۱۷۸۸-۱۸۶۶ م.) به انتشار رسیده‌اند.

ترجمه از داستان رستم و سهراب به نظم آلمانی و ترجمه اتکینسن (Ashlie Atkinson) (تولد ۱۹۷۷) از همین داستان به نظم انگلیسی و ترجمه پیتزی (pitsi) از تمام شاهنامه به نظم ایتالیایی و ترجمه ژوکوفسکی (joukovsky) (۱۷۸۳-۱۸۵۲) از داستان رستم و سهراب به شعر روسی و جز آنها انجام گرفته است. چاپ مهم فرانسوی بدست ژول مول (jmohl) (۱۸۰۰-۱۸۷۴ م.) در سال ۱۸۳۸ م. انجام رسیده است (مقدم، ۱۳۷۲: ۳۲).

علاوه بر اینها شاهنامه فردوسی تا به حال به زبان‌های ارمنی (Armenian)، گرجی (Georgian)، دانمارکی (Denmark)، لاتینی (Latin)، هندی (Hindi)، و اردو (Urdu) و... ترجمه شده است.

پیشینه تحقیق

نخستین ترجمه شاهنامه به زبان بنگالی به دست محمد خاطر انجام گرفت (سه‌سرامی، ۱۳۸۳: ۸۳). او اهل بنگال غربی (West Bengal) بود و اسم کتابش «شاهنامه بزرگ صحیح» است. این ترجمه به نظم آورده شده است که به زبان بنگالا به اسم ادبیات عامه محسوب می‌شود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷).

دومین نفر، مزمل حق (۱۸۶۰-۱۹۳۳ م.) بود که اشعار بزرگ فردوسی را به نثر آورده بود. اسم این کتاب «احوال فردوسی» بود که به دو طبع در سال‌های ۱۸۹۸ م. و ۱۹۱۲ م. به چاپ رسید.

ترجمه دیگر شاهنامه به نام «داستان شاهنامه» است از بنده علی میا (Bonde Ali Mia) (۱۹۰۶-۱۹۷۹ م.) که به نثر ساده نوشته شده است. این کتاب در اصل برای کودکان است و در داکا در سال ۱۹۴۹ م. چاپ شده است. اما این ترجمه‌ها، همه بخشی از شاهنامه بودند.

منیرالدین یوسف اولین کسی بود که کل شاهنامه را به زبان بنگالی ترجمه کرد، و آن ترجمه توسط «بنگلا آکادمی»، در شش مجلد، در سال ۲۰۱۲م. منتشر شد.

علت و اهمیت ترجمه شاهنامه به زبان بنگلا

به دلایل تاریخی، سیاسی، تجاری و مذهبی، رابطه زبان و فرهنگ فارسی با مردمان سرزمین بنگال بسیار قدیمی است، با وابستگی‌های فراوان. به همین سبب، مردمان کشور بنگلادش با این که بسیار دور از سرزمین ایران زندگی می‌کنند، اما شاهنامه فردوسی را همراه با اشعار دیگر بزرگان ادبیات ایران، در هر خانه بنگال می‌توان مشاهده کرد. هیچ خانه‌ای در سرزمین بنگال وجود ندارد که بچه‌های آن خانه، داستان دردناک سهراب و رستم را ندانسته و نشنیده باشند؛ می‌توان گفت که جذابیت شاهنامه در ذهن بنگالی بسیار دیرینه و سنتی است.

شاهنامه ثابت کرد که در بازسازی حس ملی‌گرایی و تأسیس و برقراری تفوق زبان مادری یک کشور، ادبیات چه نقش بی‌ظیری می‌تواند داشته باشد؛ بنابراین، ترجمه شاهنامه عامل غنای ادبیات بنگالی هم هست. گرچه شاهنامه بر اساس تاریخ نوشته شده، اما در واقع، این یک کتاب شعر است و برجسته‌ترین نشانه مهارت ادبی فردوسی است. به همین سبب، در این دوره جدید هم نیاز ترجمه این حماسه عظیم به زبان بنگالی احساس می‌شود.

منیرالدین یوسف، مترجم شاهنامه به زبان بنگلا

منیرالدین یوسف، شاعر، نویسنده، فیلسوف، پژوهشگر و مترجم مشهور بنگلادش است. او اولین کسی است که همه «شاهنامه فردوسی» را با مقدمه مفصل و نقد و بررسی به زبان بنگالی ترجمه کرده است (سهرامی، ۱۳۸۳: ۸۳). به همین دلیل او را بیشتر به عنوان مترجم شاهنامه می‌شناسند.

این مرد فاضل و فرزانه در خانواده اهل شعر و ادب فارسی و اردو در ۱۳ فوریه سال ۱۹۱۹م. در روستای بولای^۲ (Boulai) در استان کیشورگانج^۳ (Kishore Ganj) سرزمین بنگلادش متولد شد (خان، ۲۰۱۷: ۱۷۴). پدرش مولوی مصباح‌الدین احمد، شاعر و عالم دین و زمین‌دار بود که به زبان‌های اردو و فارسی تسلط کامل داشت (سه‌سرامی، ۱۹۹۹: ۴۱۹).

مادرش سنجیده خاتون، دختر زمین‌دار استان جوار^۴ (Jawar)، عبدالحکیم خان بود. جدّ او حمیدالدین احمد عرف بچو میا (Bechu Mia)، عالم دین بزرگ آن زمان بود (منیرالدین یوسف شروک گرنتهو، ۲۰۰۹: ۲۳۵). از اجداد او شیخ محمد جمال عربی در دوره پادشاه همایون (۱۵۰۸-۱۵۵۶ م.) از بغداد به دهلی هجرت کرده بودند. بعد از آن، در زمان پادشاه جهانگیر (۱۵۶۹-۱۶۲۷ م.)، جدّ دیگر او، امیرالبحر، کریم خان، به عنوان رئیس نیروی دریایی سلاطین مغول، به بنگلادش آمد و در «بولای» کیشورگانج، پایگاه خود را تأسیس کرد؛ یعنی اجداد منیرالدین یوسف در دوران مغول به بنگلادش آمده بودند، ولی اصل و نسب آنها از بغداد بود (منیرالدین یوسف شروک گرنتهو، ۲۰۰۹: ۲۳۸). تحصیلات مقدماتی منیرالدین یوسف در خانه خودش شروع شد و او در دوران کودکی، زبان‌های عربی، فارسی و اردو را آموخت (خان، ۲۰۱۷: ۱۷۴). در سال ۱۹۳۸م، او در گروه بنگلای دانشگاه داکا پذیرفته شد، اما به دلیل مسئولیت‌های زمین‌داری پدرش، نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند (سه‌سرامی، ۱۹۹۹م، ص ۴۱۹).

اولین ترجمه منیرالدین یوسف، ترجمه منشور مثنوی مولانا (۱۲۰۷-۱۲۷۳ م.) بود که به صورت بخش‌بخش، با ترتیب، در ماهنامه پوبالی^۵ (Pubali) منتشر شده بود (شیکدار، ۱۹۹۲: ۴۶). بعداً، این ترجمه‌ها به شکل کتابی به نام «رومیر مثنوی» (مثنوی رومی) در سال ۱۹۶۰م. از سوی کتابخانه عثمانیه (Osmania Book Depot) که صاحب آن محمد نورالاسلام بود، به چاپ رسید (منیرالدین یوسف شروک گرنتهو، ۲۰۰۹: ۳۷).

منیرالدین یوسف همزمان یک نویسنده، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، ویراستار و مترجم بود. وی در مجموع ۲۸ کتاب تألیف کرد که شامل شعر، رمان، نمایشنامه، مقاله، خاطرات، زندگینامه، ادبیات نوجوانان و ترجمهٔ آثار ادبی است (بنگلاپدیا، ج ۸، ص ۳۷). اشعاری که منیرالدین یوسف از زبان اردو به بنگالی ترجمه کرده است، عبارتند از: تاریخ ادبیات اردو، اشعار علامه اقبال لاهوری (۱۹۶۰م)، دیوان غالب (۱۹۶۴م) و کلام رغیب (۱۹۶۶م) (بنگلاپدیا، ج ۱، ص ۳۹). اما برجسته‌ترین نشانهٔ ادبی منیرالدین یوسف، ترجمهٔ کامل بنگالی حماسهٔ جاودانهٔ فارسی «شاهنامهٔ فردوسی» است که او را در تاریخ ادبیات بنگالی ماندگار کرد. وی ترجمهٔ این شاهکار بزرگ را در سال ۱۹۶۳م آغاز کرد و پس از ۱۷ سال تلاش، در ۱۹۸۱م. آن را به پایان رساند (یوسف، ۲۰۱۲: ۱). یوسف، در کنار ادبیات، به فیلم‌سازی هم علاقه داشت و شروع به ساختن فیلمی به نام مدهورتی (Madhurati) کرده بود، اما نتوانست آن را به پایان برساند (بنگلاپدیا، ج ۸، ص ۳۹). وی به دلیل مشارکت ویژه خود در ادبیات بنگالی چندین جایزه دولتی دریافت کرده است که در میان آنها، جایزهٔ ادبی بنگلا آکادمی (BanglaAcademy) (۱۹۷۸م) و اکوشه پادوک^۶ (Ekushey Padak) (۱۹۹۳م، بعد از مرگ) قابل توجه هستند.

این ستارهٔ بی‌نظیر ادبیات بنگالی در ۱۱ فوریه ۱۹۶۶م. (۲۲ بهمن ۱۳۴۴ هـ. ش) در داکا درگذشت (بنگلاپدیا، ج ۸، ص ۳۹). نویسندهٔ معروف بنگالی، دکترانیس‌الزمان (Anisuzzaman) دربارهٔ شخصیت منیرالدین یوسف نوشت:

«ادب عظیم و فوق‌العاده او در نگاه اول تأثیر عمیقی بر ذهن من گذاشت. آثار بهترین تربیت و فرهنگ خانوادگی در شخصیت وی بسیار مشهود بود» (منیرالدین یوسف شروک گرتتهو، ۲۰۰۹: ۱۳۳).

ترجمه بنگالی شاهنامه از منیرالدین یوسف

«در شبه‌قاره هند، یک مجموعه علمی شاهنامه توسط ویرایش و تدوین تی. میکان^۷ (T Mackan) در سال ۱۸۲۹ م. منتشر شد. این مجموعه از طریق ویرایش تطبیقی ۱۷ نسخه خطی تهیه شد. اگرچه چندین مجموعه مهم شاهنامه به زبان‌های فرانسوی، روسی و غیره منتشر شده‌اند، اما ما، در هیچ منطقه دیگری از هند، خبری از مجموعه‌ای کامل و ویرایش شده ترجمه شاهنامه را هنوز دریافت نکرده‌ایم. گزارش شده است که نواب علیوردی خان (Nawab Ali Wardi Khan) (۱۶۷۱-۱۷۵۶ م.) بنگال، با خواندن شاهنامه برانگیخته شده بود. گرچه برخی از کتاب‌های شاهنامه به طور جداگانه در این منطقه به زبان بنگالا منتشر شده‌اند، ولی ترجمه کامل این حماسه بزرگ جهان، پیش از این به بنگالی منتشر نشده است. از این منظر می‌توان گفت که بنگالا آکادمی، وظیفه‌ای تاریخی را انجام داده است. امیدواریم که دوستداران ادبیات پس از خواندن این برجسته‌ترین حماسه جهان، از عشق به سنت، تاریخ و آگاهی بشر الهام بگیرند» (یوسف، ۲۰۱۲: مقدمه).

گرچه فراخوان این کار ترجمه از بنگالا آکادمی آمده بود، اما منیرالدین یوسف برای علاقه‌مندی خودش این مسئولیت بزرگ را بر عهده گرفت. منیرالدین در کتاب خاطرات خودش به نام «آمر جیبون آمر اوبیگوتا» [زندگی و تجربه‌های من] نوشت:

«در سال ۱۹۶۳ م.، به درخواست سید علی احسن، مدیر وقتی بنگالا آکادمی، آقای ابو جعفر شمس‌الدین و شاعر فرخ احمد به خانه من آمدند و به من گفتند که باید حماسه فردوسی را ترجمه کنم، شاهنامه فردوسی در کتابخانه‌ام بود. آن را بیرون آوردم و به شاعران نشان دادم و گفتم: نگاه کنید این چه قدر بزرگ است! فردوسی آن را در سی سال به پایان رسانده بود. من حداقل دوازده سال نیاز دارم. ببخشید، برایم ممکن نیست. اما آنها نپذیرفتند و بالاخره، روزی به دفتر سید علی احسن نشستم و این مسئولیت بزرگ را بر عهده گرفتم» (یوسف، ۱۹۹۲: ۱۷۵-۱۷۶).

فردوسی، شاهنامه را در سی سال به پایان رسانده بود و ترجمه همه شاهنامه برای منیرالدین یوسف، ۱۷ سال طول کشید. او کل شاهنامه را در شش جلد ترجمه کرد. متأسفانه، انتشار تمام قطعات شاهنامه بنگالی در زمان حیات منیرالدین امکان‌پذیر نبود. فقط دو جلد اول و دوم در سال‌های ۱۹۷۷م. و ۱۹۷۹م. منتشر شد (یوسف، ۲۰۱۲: سرآغاز متن از محمود شاه کورشی). هر شش جلد با هم در فوریه ۱۹۹۱م. به مناسبت هزاره سالگرد شاهنامه منتشر شد.

در دسامبر ۱۹۹۰م.، کمیسیون کمک‌های مالی دانشگاه بنگلادش (Bangladesh University Grant Commission)، با همکاری یونسکو و سفارت جمهوری اسلامی ایران در داکا، جشن شاهنامه را در بنگلادش برگزار کرد. چاپ مجدد شاهنامه در شش جلد توسط بنگلا آکادمی، در ژوئن ۲۰۱۲م. صورت گرفت (یوسف، ۲۰۱۲: سرآغاز متن از محمود شاه کورشی).

ارزیابی ترجمه بنگالی شاهنامه از منیرالدین یوسف

چون از دوران کودکی در خانواده یوسف، آموزش و تعلیم فارسی وجود داشت، او درباره ادبیات فارسی اطلاعات بسیار خوبی داشته و به همین سبب برای ۱۷ سال طولانی در کار ترجمه شاهنامه مشغول بود. موضوع، محیط، زمان، شخصیت تاریخی و وقایع شاهنامه، همه اینها کاملاً در ذهن منیرالدین یوسف ذخیره شده بود؛ بنابراین، نقش ارزیابی او در باب شاهنامه خیلی مهم است. در حالی که فردوسی شاهنامه را می‌نوشت، سرزمین ایران در بحرانی بود که فردوسی در متن شاهنامه به آن اشاره کرده. منیرالدین یوسف نیز در ابتدای مقدمه خودش آن را به زبان بنگلا مطرح کرده است.

فردوسی در شاهنامه خود اشاره کرده که در احیای زبان فارسی، کاری دشوار را به پایان رسانده. چنانکه خود نوشته است:

بسی رنج بردم درین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

یعنی «پس از تلاش سی سال طولانی، زبان و فرهنگ و ادبیات ایران را با این متن فارسی احیا کردم». منیرالدین یوسف هم در تحلیل خویش انگیزه فردوسی را در سرودن شاهنامه روشن کرده است.

منیرالدین یوسف، پس از در نظر گرفتن پیشینه تاریخی شاهنامه، به خاستگاه زبان فارسی و تحول اندیشه دینی آن هم اشاره، و موضوع زبان و اندیشه دینی را از دیدگاه فلسفی تحلیل کرده است. چنانکه گفته است:

«همانطور که هویت یک ملت در زبان آنها نهفته است، هویت سرزندگی و فرهنگ آنها هم در اندیشه دینی آنها وجود دارد. انسان پیشرو و خردمند، چیزهای جدیدی به زبان و اندیشه دینی ملت خویش، اضافه می‌کند، اما واقعیت این است که او این روش را به سنت خود ادامه می‌دهد. شاهنامه بزرگ‌ترین نمونه آن است» (منیرالدین یوسف شروک گرتنهو، ۲۰۰۹: ۱۳۳).

منیرالدین یوسف شاهنامه را به نثر، به زبان بنگالی ترجمه کرد، همان گونه که بنگلا آکادمی از وی خواسته بود؛ اما او بسیار مراقب بود تا وزن شعری شاهنامه اصلی را در ترجمه خود حفظ کند؛ یعنی این نثر معمولی نیست، وزن شعر آزاد در ترجمه هر سطر این حماسه عظیم وجود دارد.

منیرالدین یوسف ترجمه خود را تنها به نثر ادامه نداد، بلکه در قالب شعر آزاد تنظیم کرد. ترجمه او مانند شاهنامه اصلی فردوسی، روان است (یوسف، ۲۰۱۲م، سرآغازمتن از محمود شاه کورشی). این روش ترجمه منیرالدین مورد استقبال همه نویسندگان مشهور بنگال قرار گرفت. نظرات منیرالدین یوسف درباره ترجمه شاهنامه نیز قابل توجه است. چنانکه گفته است:

«ترجمه یک شعر مهم، آسان نیست، زیرا افکار و توصیفات شاعر عمدتاً متکی بر کلمات است. شاهنامه حماسه‌ای مشهور در جهان است، کلمات و اوزان قابل مقایسه نیست. به نظر من، مترجم در این موارد باید آماده باشد تا برای بازسازی جوهر شعر

اصلی، در آن ترجمه از کل واژگان زبانی استفاده کند. این که آیا ترجمه به نثر است یا نظم، تفاوتی ندارد. در ترجمه حاضر، سعی کرده‌ام هر بیت را به این شیوه پیش ببرم. در آن ترجمه، من هر بیت اصلی را در دو سطر تنظیم کرده‌ام. بندرت، من بیتی را در چهار سطر یا دو بیت در دو سطر به خاطر وحدت معنا ترتیب داده‌ام؛ اما چنین نمونه‌هایی بسیار نادر هستند» (یوسف، ۲۰۱۲: ۳۷).

شاهنامه فردوسی مشتمل بر داستان‌های مختلف و شخصیت‌های فراوان است. منیرالدین یوسف توضیحات آن شخصیت‌ها را بدرستی به خوانندگان بنگالی ارائه داده است. شخصیت‌های معروف مانند رستم و سهراب در ترجمه او بدرستی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شیوه‌ای که منیرالدین یوسف در آن، قهرمانی رستم در میدان جنگ را مطرح کرده و زبان شاعرانه‌ای که وی در این شیوه به کار برده است، احساسات خوانندگان بنگالی را برانگیخته است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد که ما شعر یک شاعر حماسی بنگالی را می‌خوانیم.

شاهنامه از داستان‌های متنوعی در باب مردم یک محیط جغرافیایی خاص تشکیل شده است: برقراری عدالت و سقوط جرم. ما کاربرد این ارزش‌هایی را در همه جای شاهنامه فردوسی مشاهده می‌کنیم. منیرالدین یوسف در قسمت دیگری از مقدمه خویش، شاهنامه را با دیگر حماسه‌های ادبیات جهان مقایسه کرده و نشان داده که ناظر شاهنامه زمان است، نه مکان‌ها یا داستان‌ها یا شخصیت‌هایی که در آن مذکور شدند. او نوشته است:

«ایلیاد (Iliad)، اودیسه (Odyssey)، رامایانا (Ramayana) و مهابهارت (Mahabharat) - ناظر اصلی این حماسه‌های بزرگ جهان، زمان نیست، بلکه مکان است. در ایلیاد و اودیسه، رویدادها اطراف یونان (Greece) و تروا (Troy) و در رامایانا در اطراف آیودیا (Ayodhya) و لانکا (Lanka)؛ و در مهابهارت، در اطراف هاستیناپور (Hastinapur) و کوروکشترا (Kurukshetra) می‌چرخد. در پایان یکی، جلال دیگری

آنجا می‌درخشد. از سوی دیگر، زمینه اصلی شاهنامه زمان است. در طول زمان، با ظهور و سقوط پادشاهان و حکومت‌های آنها، در میان شجاعت قهرمانان و سخاوت امپراتورها یک درس بزرگی برای مردمان جهان پدید آمده است - که مهم نیست انسان‌ها چقدر قدرتمند هستند، جز بخشی از تاریخ چیز بیشتری نیستند، مثل زمان ابدی نیستند» (یوسف، ۲۰۱۲: ۱۱).

شاهنامه فقط اشعاری در مورد پادشاهان و قهرمانان باشکوه قدیم ایران نیست. این یک منظومه مذهبی، تاریخی و فرهنگی است که در آن با لایه‌های مختلف فرهنگ باستانی و قرون وسطایی ایران با هم آمیخته شده است.

در ترجمه شاهنامه، خلق تصاویر شخصیت‌ها با توجه به زندگی و فرهنگ بنگالی دستاورد بی‌نظیر منیرالدین یوسف است. همانطور که فردوسی زبان فارسی را با شاهنامه خود احیا کرد، منیرالدین یوسف نیز با استفاده از واژگان وسیع زبان بنگالا، زبان و ادبیات بنگالا را با ترجمه شاهنامه به اوج بی‌نظیری رسانده است. او از کلمات و جملاتی استفاده می‌کرد که با زبان اصلی فارسی سازگار بود، که از میان آنها توصیف هر شخصیت به همان شیوه ساده و سرراست مثل حماسه اصلی بیان شده، و به همین دلیل است که با وجود مقدار عظیم حجم شاهنامه، تعداد خوانندگان شاهنامه در بنگلادش هنوز هم بسیار زیاد است.

نتیجه‌گیری

هر ادبیات پیشرفته جهان، شخصیت هنرمند را ظاهر می‌کند و اگر آن شخص حماسه نویس باشد، قدردانی از هنرمندان و هنرش فراتر از مرزها و معیارهای کشورش است. همانطور شاهنامه فردوسی بزرگ‌ترین حماسه به زبان فارسی است که در همه جای جهان مورد توجه قرار گرفته است. منیرالدین یوسف، پژوهشگر فارسی‌دان بزرگ بنگلادش، نیز با زبانی روان، آهنگین و وزن مدرن واضح، شاهنامه را ترجمه کرد و

دارایی صنعتی بنگلادش را غنی کرد. دستاورد منحصر به فرد منیرالدین یوسف در ترجمه شاهنامه خلق تصویری زنده از زندگی و فرهنگ بنگالی است. او یک کار تاریخی و ابدی از خویش به یادگار گذاشت و در بنگلادش، به عنوان یک متخصص فارسی شهرت ویژه‌ای یافت. ترجمه بنگالی شاهنامه حدود ۶ هزار صفحه داشت که پس از تلاش سخت ۱۷ ساله، یوسف آن را به خوانندگان ادبیات بنگالی تحویل داد. همانطور که شاهنامه فردوسی زبان فارسی را زنده کرد، ترجمه بنگالی شاهنامه هم «ادبیات فارسی»، «فردوسی»، «شاهنامه» و «منیرالدین یوسف» را در تاریخ ادبیات بنگلادش برای همیشه جاودانه کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- شاعر و داستان‌سرای یونانی است که احتمالاً در حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد می‌زیسته است.
- ۲- روستایی در ناحیه کیشورگانج بنگلادش و محل خانواده منیرالدین یوسف است.
- ۳- منطقه‌ای قدیمی، تاریخی و سنتی در بنگلادش.
- ۴- روستای دیگری در ناحیه کیشورگانج بنگلادش است و خانه مادری و زادگاه منیرالدین یوسف.
- ۵- مجله ماهانه ادبی مشهور بنگلادش در آن زمان.
- ۶- بزرگ‌ترین جایزه غیرنظامی در بنگلادش است که به یاد شهدای جنبش زبان بنگالی در ۲۱ فوریه ۱۹۵۲م. اهدا شد.
- ۷- کپتان ترنر میکان، مترجم رئیس ستاد ارتش هند، به نسخ متعدد و قدیم و معتبر مقابله و تصحیح نموده با فرهنگ «الفاظ نادر و اصطکاک غریب» در سال ۱۸۲۹م. در چند جلد انتشار داده است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۱)، بهارستان. به تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.
۲. خالقی مطلق، جلال (۱۹۹۳م)، *ایران‌گرایی در شاهنامه*. تهران: انتشارات بهمان.
۳. سه‌سرامی، محمدکلیم (۱۳۸۳)، *ترجمه‌های شاهنامه در بنگالی. گزیده قند پارسی*، به اهتمام حسن انوشه. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۴. _____ (۱۹۹۹م)، *خدمت‌گزاران فارسی در بنگلادش*. داکا: رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران.
۵. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: انتشارات فردوس.
۶. عروضی سمرقندی، نظامی (۱۳۲۷)، *چهار مقاله*، به تصحیح علامه قزوینی، به کوشش دکتر محمد معین، تهران: معین.
۷. فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۴۷). *شاهنامه فردوسی؛ ویراسته مهدی قریب و محمدعلی بهبودی*. تهران: انتشارات توس.
۸. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). *تاریخ گردبزی؛ به تصحیح عبدالحی حبیبی*. تهران: نشر دنیای کتاب.
۹. مقدم، محسن شهلایی (۱۳۷۲)، *حماسه‌های شاهنامه فردوسی*، تهران: انتشارات گوتنبرگ.

ب) مقالات

۱. خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۸)، «شاهنامه فردوسی». *مندرج در: دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۳. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۸۱۶ - ۲۸۱۸.

ج) بنگالی

۱. بنگلادیا (Banglapedia) (۲۰۰۳م)، منیرالدین یوسف. ج ۱. داکا: بنگلادش آسیاتیک سوسایتی (Bangladesh Asiatic Society).
۲. بنگلادیا (۲۰۰۳م)، فارسی. ج ۸. داکا: بنگلادش آسیاتیک سوسایتی.
۳. چودوری، اسد (۲۰۱۵م، ۱۳ فوریه)، منیرالدین یوسف. روزنامه دوزیک نایا دیگونتو (The Daily Naya Diganta).
۴. خان، عبدالصبور (۲۰۱۷م)، بنگلای فارسی بهاشا شاهیتتو و شنسکریتی بیکاشر / ایتیحاش [History of the Development of Persian Language, Literature and Culture in Bengal]. داکا: رودیلا پروکاشونی.
۵. شیکدار، عبدالحی (۱۹۹۲م)، منیرالدین یوسف. داکا: بنگلا آکادمی.
۶. عبدالکریم، (۲۰۰۷م)، بنگلار / ایتیحاش سلطانی عمل [سلطانی عمل در تاریخ بنگالی]. داکا: جاتیو شاهیتتو پروکاش.
۷. منیرالدین یوسف شروک گرتتھو [Monumental book on Muniruddin Yusuf] (۲۰۰۹م)، ویرایش: بلال چودوری. داکا: کالانتر پروکاشونی.
۸. یوسف، منیرالدین (۱۹۹۲م)، آمر جیون آمر اوبیگوتا [My Life my experiences]. داکا: کالانتر پروکاشونی.
۹. یوسف، منیرالدین (۲۰۱۲م)، فردوسیر شاهناما [Shahanama of Ferdousi]. ج ۱. داکا: بنگلا آکادمی.

د) لاتین

1. Ansari, Ali (2012). *The Politics of Nationalism in Modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Atkinson, James (1900). *Shahnameh, Oriental Literature, The Literature of Persian*, vol: 1, New York.
3. Rahman, Mizanur (2015, 13 February). Moniruddin Yousuf: Bengali Translator of Shahnama. *The Daily New nation*, Dhaka, Bangladesh.

Retrieved from <https://thedailynewnation.com/news/42982/Moniruddin-Yusuf--Bengali-translator-of-Shahnama>.

هـ) اینترنتی

1. www.ganjoor.net/ ابوالقاسم فردوسی
2. www.daneshnameh.roshd.ir/ ابوالقاسم فردوسی
3. www.fa.wikishia.net/ ابوالقاسم فردوسی

Reference List in English

Books

- Abdul Karim (2007). Sultani Period in Bengali History. Dhaka: National Literature Publication [in Bengali].
- Ansari, Ali (2012). *The Politics of Nationalism in Modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press [in Persian].
- Aroozi Samarqandi, Nizami (1327 S.H.). Chahar Maqaleh. Edited by Allama Qazvini, in effort of Dr. Mohammad Moeen. Tehran: Moeen [in Persian].
- Atkinson, James (1900). Shahanameh, Oriental Literature, The Literature of Persian, vol: 1, New York.
- Banglapedia (2003). Moniruddin Yusuf. Vol. 1. Dhaka: Bangladesh Asiatic Society [in Bengali].
- Banglapedia (2003). Farsi. Vol. 8. Dhaka: Bangladesh Asiatic Society [in Bengali].
- Ferdousi, Hakim Abul Qasem (1347 S.H.). Shahnama of Ferdousi. Editors- Mahadi Qarib and Mohammad Ali Behbudi. Tehran: Tus Publication [in Persian].
- Gardiji, Abdul Hai bin Zehak (1363 S.H.). History of Gardiji. Edited by Abdul Hai Habibi. Tehran: Book World Publication [in Persian].
- Jami, Abdur Rahman (1371 S.H.). Baharestan. Edited by Ismail Hakimi. Tehran: Ettela'at [in Persian].
- Khaleqi Motlaq, Jalal (1993). Iranism in Shahnama. Tehran: Bahman Publication [in Persian].
- Khan, Abdus Sabur (2017). History of the Development of Persian Language, Literature and Culture in Bengal. Dhaka: Rodela Publication [in Bengali].
- Moghaddam, Mohsen Shohlayi (1372 S.H.). Epics of Ferdousi's Shahnama. Tehran: Gutenberg Publication [in Persian].

- Monumental book on Muniruddin Yusuf (2009). Editor- Belal Chowdhury. Dhaka: Kalantor Publication [in Bengali].
- Safa, Zabihullah (1349 S.H.). History of Literature in Iran. Tehran: Ferdous publication [in Persian].
- Sahsarami, Mohammad Kalim (1383 S.H.). Bengali Translations of Shahnama. A Selection of Persian Sweets by Hasan Anushe. Tehran: Persian Language and Literature Development Council [in Persian].
- Sahsarami, Mohammad Kalim (1999). Persian Writers in Bangladesh. Dhaka: Iran Cultural Centre [in Persian].
- Shikder, Abdul Hai (1992). Moniruddin Yusuf. Dhaka: Bangla Academy [in Persian].
- Yusuf, Moniruddin (1992). My life My experiences. Dhaka: Kalantor Publication [in Bengali].
- Yusuf, Moniruddin (2012). Shahnama of Ferdousi. Vol. 1. Dhaka: Bangla Academy [in Bengali].

Journals

- Khaleqi Motlaq, Jalal (1388 S.H.). Ferdousi's Shahnama. Included in the Encyclopedia of Persian Language and Literature, Vol.3, Tehran: Persian Language and Literature Academy [in Persian].

Websites

- Chowdhury, Asad (13 February, 2015). Moniruddin Yusuf and his literary works. The daily Naya Diganta, Dhaka, Bangladesh. Retrieved from <https://www.dailynayadiganta.com/diganta-shahitto/478371>
- Rahman, Mizanur (2015, 13 February). Moniruddin Yousuf: Bengali Translator of Shahnama. *The Daily New nation*, Dhaka, Bangladesh. Retrieved from <https://thedailynewnation.com/news/42982/>
- www.ganjoor.net/ ابو القاسم فردوسی
- www.daneshnameh.roshd.ir/ ابو القاسم فردوسی
- www.fa.wikishia.net/ ابو القاسم فردوسی